

نظریات ابن سینا در باب تعلیم و تربیت و مقایسهٔ اجمالی با

نظریات افلاطون و ارسطو (۱)

بقلم دکتر عیسی صدیق

استاد تاریخ تعلیم و تربیت در دانشگاه تهران

از دانشمندان و حکمای ایران بعد از اسلام تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد ظاهراً نخستین کسی که از روی عهد و نه بر حسب اتفاق در باب تعلیم و تربیت اطفال سخن گفته و کتاب او در دست است ابوعلی سینا است. گرچه مطابق تحقیقاتی که دکتر خلیل طوطح^۲ نموده قبل از ابن سینا دو کتاب از حکمای اسلامی ایران برشتهٔ تحریر در آمده یکی در اوایل قرن چهارم هجری بنام کتاب العلم و التعلیم تألیف ابوزید احمد بن سهل بلخی که بقرار فهرست آهلوارت نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ برلن وجود داشته ولی ابن ندیم که کتاب فهرست خود را ۵۵ سال پس از فوت احمد بن سهل بلخی تدوین کرده و شرح حال و اسامی کتب او را ذکر کرده^۳ اسمی از کتاب العلم و التعلیم نمی‌برد. و همچنین یاقوت در معجم الادباء و حجاج خلیفه در کشف الظنون و بر کلمن در تاریخ ادبیات عرب در جایی که از مؤلف مذکور یاد میکنند نامی از آن کتاب نمی‌برند. نویسنده نیز نتوانست در ایران کتابی از او باین عنوان پیدا کند.

دومین کتابی که دکتر طوطح ذکر میکند کتاب العالم و المتعلم تألیف ابو حاتم بن حبان (بکسر حاء) بستی است که در نیمه اول قرن چهارم هجری نوشته شده لیکن در فهرست ابن ندیم نام ابو حاتم بستی نیامده و گرچه برو کلمن در تاریخ ادبیات عرب ذکر کرده است که ابو حاتم در کتاب خود موسم بروضه العلاء و نزهة الفضلاء که نسخهٔ آن در پاریس و هامبورگ موجود است از کتاب العالم و المتعلم

۱- خلاصهٔ سخنرانی است که در روز ۴ اردیبهشت ۱۳۳۳ ضمن مراسم جشن هزاره و کنگرهٔ ابن سینا ایراد شده است

۲- کتاب خدمات اعراب بتعلیم و تربیت - چاپ نیویورک ۱۹۲۶ صفحه ۶۸

۳- فهرست ابن ندیم چاپ مصر ۱۳۴۸ صفحه ۱۹۸

۴- Carl Brockelmann جلد اول ضمیمهٔ تاریخ ادبیات عرب - چاپ ۱۹۴۲

تألیف خود اسم میبرد ولی اطلاعی از وجود آن نسخه بدست نداده است. دانشمندان اسلامی عموماً حکمت را بدو قسمت نظری و عملی و حکمت عملی را بسه بخش تقسیم کرده‌اند که عبارتست از تهذیب اخلاق - سیاست مدن - تدبیر منزل. مباحث راجع بتعلیم و تربیت ضمن تدبیر منزل شرح و بسط داده شده است. تا آنجا که نگارنده توانسته است تحقیق کند ابن سینا در سه جلد از مؤلفات خود در باب تعلیم و تربیت سخن گفته است. نخست در رسالهٔ تدابیر المنازل^۱ که در بیروت و بغداد بطبع رسیده و بفارسی نیز ترجمه و در تهران چاپ شده فصلی راجع پیرویش فرزند در حدود ۸۵ کلمه دارد و قریب ده یک رسالهٔ مذکور است. دوم در کتاب قانون^۲ در فن سوم از مجلد اول که چهار فصل در باب بهداشت کودکان و ورزش و تربیت بدنی است. سوم در کتاب شفا^۳ در مبحث منطق که در مقالهٔ اول از فن پنجم فصلی در خصوص انواع تعلیم ذکر کرده است.

اکنون نظریات او را در باب تعلیم و تربیت از مجموع سه مأخذ فوق میتوان بطریق ذیل در اینجا خلاصه نمود:

۱- منظورات تعلیم و تربیت

بعقیدهٔ ابن سینا منظور از تعلیم و تربیت طفل نائل شدن به هدف‌های ذیل است:

الف - ایمان

ب - اخلاق نیکو و عادات پسندیدهٔ انسانی و مطالعات فزاینده

ج - تندرستی

د - سواد

ه - پیشه و هنر

۲- سازمان

- ۱- تدابیر المنازل چاپ بیروت ۱۹۱۱ - چاپ بغداد ۱۹۲۹ - ترجمه فارسی آن توسط محمد نجفی زنجانی در ۱۳۱۹ شمسی در تهران بطبع رسیده ولی قسمتهائی از آن از قلم مترجم افتاده و بفارسی نقل نشده است.
- ۲- قانون چاپ تهران ۱۲۹۶ قمری - فصل ۴ از تعلیم اول و فصل ۱ و ۲ و ۳ از تعلیم دوم صفحه ۱۰۱.
- ۳- شفا فصل سوم از مقالهٔ اول از فن پنجم (برهان) - نسخهٔ خطی عالی بخط علی بن فتح‌الله صابری اصفهانی مورخ شعبان ۸۷۱ در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی.

الف - در خانه

برای رسیدن بمنظورهای فوق پدر باید نام نیکو برای فرزند خود انتخاب کند سپس دایه‌ای که جسماً و روحاً سالم باشد برای او برگزیند و همین که از شیر گرفته شد بتأدیب و تربیت اخلاقی او بپردازد و از کارهای ناشایسته و عادات زشت و اقران بد او را دور بدارد - تا شش سالگی اعتدال را رعایت کند و طفل را از چیزی که بدان مایل است محروم نسازد و ویرا بقبول چیزی که از آن تنفر دارد مجبور نکند تا هم روحیه و اخلاق او بترقی و کمال گراید و هم قوای بدنی او نشو و نما کند - در غیر اینصورت طفل خشمگین یا مغموم یا ترسوشود و در نتیجه بیماریا سست و بی رغبت بکار گردد زیرا جسم و روح در یکدیگر تأثیر دارند .

ب- در مکتب

وقتی کودک شش ساله شد پدرش بمکتب فرستد و تا چهارده سالگی او را بتحصیل مشغول دارد .

معلم او باید دیندار و پاکدامن و خردمند و پاکیزه و باوقار باشد و راه معاشرت را بداند و بطرق تعلیم و تربیت کودکان و تهذیب اخلاق آنها آشنا باشد. در مکتب طفل نباید تنها بتحصیل کند زیرا در آنصورت ملول و دل‌تنگ خواهد شد . طفل را باید با کودکان دیگر از خانواده‌های نجیب محشور کرد تا بین آنها رقابت در تعلیم و تحصیل بوجود آید و از یکدیگر نیز آداب جمیله فراگیرند .

۳- برنامه

برنامه مکتب در ظرف هشت سال عبارت خواهد بود از آموختن قرآن - تعلیمات دینی - تدریس زبان - تعلیم اشعاری که متضمن آداب شریف و مکالمه اخلاق باشد - ورزش - هنر و پیشه و آنچه برای آموختن صنعت لازم است .

برای رعایت اعتدال نباید تا چهارده سالگی تمام اوقات طفل صرف تحصیل شود بلکه باید قسمتی از وقت را صرف ورزش کند و گاهی نیز طفل را آزاد گذارند تا بکاری که خود بدان شائق است اشتغال ورزد. ابن سینا در اینجا انواع و اقسام ورزش را تعریف کرده و شرح داده است که تقریباً تمام آنها همان است که امروز معمول و مرسوم است مانند راه پیمایی - جست و خیز - توپ بازی - طناب بازی - دو - کشتی - اسب سواری - شمشیر بازی و نیزه بازی و غیره .

پس از اینکه فرزند هنروپیشه‌ای آموخت و عملاً توانست از آن بهره‌مند شود و کسب معاش کند پدر باید او را متأهل کند و خانه‌اش را جدا سازد.

ع- روش تعلیم و تربیت

معلم باید اولاً طفل را از عادات زشت و کارهای نکوهیده دور و با هم‌درسان خوب محشور سازد. ثانیاً در پرورش او گاهی تشویق کند و زمانی تهدید و چنانچه نتیجه نگرفت به تنبیه بدنی توسل جوید. ثالثاً اوقات ورزش را طوری ترتیب دهد که هم معده خالی نباشد و هم غذا هضم شده باشد. رابعاً بر حسب اقتضا یکی از انواع تعلیم را که عبارت باشد از تعلیم ذهنی- صناعی- تلقینی- تأدیبی- تقلیدی- تنبیهی در تدریس خود بکار برد. خامساً بهنگام تعلیم و رفتار با شاگرد روش معتدل اتخاذ کند یعنی نه چنان خود را بگیرد که شاگرد جرأت سؤال کردن و توضیح خواستن و رفع مشکلات را نداشته باشد و نه آنقدر ملایمت نشان دهد که طفل جسور شود و بیبانات و دستورهای او توجه نکند. سادساً طفل را بشناسد و طبع و قریحهٔ او را بسنجد و هوش او را بیازماید تا بتواند بموقع خود هنر و پیشه‌ای که متناسب با استعداد و ذکاوت او است برای وی انتخاب کند. سابعاً ذوق و شوق طفل را در انتخاب هنر و پیشه رعایت کند. ثامنناً هنر و پیشه‌ای که بکودک آموختند او را با استفاده از آن و ادار سازند تا عملاً بکسب معاش عادت کند.



حالا سعی کنیم نظریات مذکور را با نظریات حکمای نامی یونان در حدود امکان مقایسه کنیم تا شاید معلوم شود آیا ابن سینا از کتب آنها استفاده و اقتباس کرده است یا نه.

از حکمای نامور یونان کسانی که در باب تعلیم و تربیت سخن گفته‌اند و تالیفات آنها در قرن دوم و سوم هجری بعربی ترجمه شده و در زمان ابن سینا آن ترجمه‌ها وجود داشته افلاطون و ارسطو میباشند که اولی در کتاب جمهوریت و کتاب نوامیس و دومی در کتاب سیاست و کتاب اخلاق در خصوص آموزش و پرورش نظریات بدیع و جامعی برشتهٔ تحریر در آورده‌اند.

علاوه بر دو حکیم بزرگ یونان فیلسوف دیگری که در اروپا شهرت زیاد نیافته ولی در عالم اسلام معروفیت بسزا دارد شخصی است که بواسطهٔ تحریف کاتبان

واستنساخ کنندگان اسم او را در کتب فارسی و عربی باشکال مختلف از قبیل ابروس برونس- بروسن- ابروسن- ابروشن ذکر کرده‌اند. مطابق تحقیقات آقای پروفیسور ریترا^۱ که در این کنگره حضور دارند نام صحیح او بریسن Brysson است که از فیثاغورثیان جدید بوده و رساله‌ای در تدبیر منزل یا علم اقتصاد Oikonomika نوشته که از بین رفته و ترجمه آن به عربی موجود است و لوئیس شیخو از آباء یسوعی آنرا در مجله المشرق چاپ بیروت (جلد ۱۹ از صفحه ۱۶۱ تا صفحه ۱۸۱) در ۱۹۲۱ بطبع رسانده است. ابوعلی مسکویه رازی معاصر ابن سینا مدلول رساله مذکور را در کتاب طهارة الاعراق فی تهذیب الاخلاق نقل کرده و خود او بدین معنی اشاره کرده است^۲ و خواجه نصیرالدین طوسی در حدود ۶۳۳ هجری افکار او را در کتاب اخلاق ناصری که بقول پلسنر^۳ نمونه قطعی و کامل کتاب علم اقتصاد در تمام عالم اسلامی است بفارسی شیوا در آورده است و این نکته^۴ را ضمناً تذکر داده که در باب تدبیر منزل از حکمای یونان جز مختصری از سخنان بریسن رساله یا کتابی به عربی نقل نگردیده است. و همین اظهار از طرف علامه بزرگ و مقتدری چون خواجه نصیرالدین طوسی مؤید این مطلب است که کتب و رسالات منقوله از یونان در باب تعلیم و تربیت بسیار محدود بوده است. بنا بر آنچه گفته شد ترجمه رساله بریسن در زمان ابن سینا موجود بوده و ترجمه چهار کتاب افلاطون و ارسطو هم مطابق فهرست ابن ندیم^۵ در سال ۳۷۷ که فهرست تدوین شده وجود داشته است و نمی توان تصور کرد که ابن سینا با دست یافتن بکتابخانه بزرگ و نفیس و بی مانند نوح بن منصور سامانی^۶ و با مقام

۱- Ritter شرق شناس نامی آلمان (که در جشن هزاره ابن سینا شرکت داشت)

در دائرة المعارف اسلامی جلد چهارم صفحه ۶۲۴

۲- کتاب تهذیب الاخلاق چاپ تهران ۱۳۱۴ قمری صفحه ۳۹۸. کتاب مذکور توسط سید ابوطالب زنجانی تحت اللفظی بفارسی ترجمه شده و در ۱۳۲۰ قمری در تهران بنام کیمیای سعادت بطبع رسیده است.

۳- Pleasner در دائرة المعارف اسلامی جلد چهارم - کلمه تدبیر - صفحه ۶۲۵

۴- اخلاق ناصری - چاپ بمبئی - ۱۲۶۷ قمری - صفحه ۱۲۷

۵- فهرست چاپ مصر ۱۳۴۸ - صفحه ۳۴۳ - ۳۴۵ - ۳۵۲

۶- در وصف این کتابخانه ابن سینا میفرماید در خانه‌ای بود که اطاقهای متعدد داشت

و هر اطاق برای يك نوع کتاب معین شده بود و در هر اطاق صندوقهای کتاب بر روی هم چیده
بقیه حاشیه در صفحه بعد

شامخ و قدرت و نفوذی که در دورهٔ زندگانی خود پیدا کرده کتب و رساله مذکور را ندیده و مطالعه نکرده باشد.

معذک اگر نظریات ابن سینا با سه نفر حکیم مذکور مقایسه شود دیده میشود که در سه موضوع زیر بین آنها مشابهت موجود است :

۱- حفظ اطفال از معاشرت با مردمان پلید و بدسیرت و دور نگاهداشتن آنان از هر چه زشت و ناشایسته است و محسوس ساختن آنان با اشخاص نیکو و خوب که افلاطون در مقاله سوم از کتاب جمهوری^۱ و ارسطو در فصل هفدهم از کتاب سیاست^۲ و بریسن در رسالهٔ تدبیر منزل^۳ هر سه بدان توجه داشته‌اند.

۲- آموختن داستانها و اشعاری که حاکی از آداب شریف و مکالم اخلاق باشد و اجتناب از تعلیم حکایات و قطععاتی که منافعی مذهب و آئین و مایهٔ فساد و تباهی است. افلاطون در مقاله دوم کتاب جمهوری^۴ بتفصیل و در گفتار هفتم از کتاب نوامیس^۵ و ارسطو در فصل ۱۷ از کتاب سیاست^۶ و بریسن در رسالهٔ تدبیر منزل^۷ باختصار این نظریه را ابراز کرده‌اند.

۳- امعان نظر در طبیعت طفل و سنجش استعداد و هوش برای انتخاب هنر و پیشه. در این باب افلاطون از نظریه‌ای که در باب خیر و سعادت و فلسفه‌ای که در باب

بقیه حاشیه از صفحهٔ قبل

شده بود « در این کتابخانه کتابهایی را دیدم که بسیاری از مردم حتی اسم آنها را نشنیده‌اند و همچنین کتابهایی که هیچ‌گاه در هیچ جا قبلاً و بعداً مشاهده ننمودم » (عیون الانباء فی طبقات الاطباء ابن ابی اصیبه چاپ مصر ۱۲۹۹ قمری جلد دوم صفحه ۴)

۱ - جمهوری ترجمهٔ انگلیسی توسط دیویس Davies و وگان Vaughan چاپ لندن ۱۹۱۲ صفحه ۱۰۶

۲ - سیاست ترجمهٔ انگلیسی ویلیام الیس William Ellis چاپ لندن ۱۹۳۹ صفحه ۲۳۵

۳ - کیمیای سعادت یعنی ترجمهٔ تهذیب الاخلاق بفارسی که حاوی رسالهٔ تدبیر منزل بریسن میباشد - چاپ تهران ۱۳۲۰ قمری صفحه ۸۷-۸۶.

۴ - جمهوری چاپ مذکور در حاشیهٔ نمرهٔ ۱ صفحه ۶۴

۵ - نوامیس ترجمهٔ امیل شامبری Emile Chambry چاپ پاریس ۱۹۴۶ - جلد دوم صفحه ۲۵

۶ - سیاست - چاپ مذکور در حاشیهٔ نمرهٔ ۲ صفحه ۲۳۵

۷ - حاشیهٔ شمارهٔ ۲ مذکور در صفحهٔ قبل و شمارهٔ ۳ مذکور در همین صفحه

مثل دارد در مقاله پنجم کتاب جمهوری^۱ نتیجه میگیرد که هر کس باید در دوران زندگانی بکاری اشتغال ورزد که طبیعت او با حسن وجه برای آن کار شایستگی داشته باشد.

اکنون معلوم نیست که آیا ابن سینا نظریات سه گانه فوق را از حکمای یونان اقتباس کرده یا در نتیجه تفکر و مطالعه شخصی و بررسی کتب ایران قبل از اسلام که بواسطه سوانح ایام از بین رفته آنها را بیان فرموده و این مشابهت نظر بر حسب توارد است. با اطلاعاتی که فعلاً در دست است باید مانند ضرب المثل عربی گفت: الفضل للمتقدم. از طرف دیگر چنانچه نظریات ابن سینا و افلاطون و ارسطو را بطور کلی با یکدیگر مقایسه کنیم سه نکته جالب توجه بر خورد می کنیم بشرح ذیل:

۱- افلاطون و ارسطو هر دو طفل را از لحاظ عضویت جامعه شهر و کشور در نظر گرفته و اصولی برای تعلیم و تربیت او پیشنهاد کرده و اساساً معتقدند که آموزش و پرورش افراد آزاد از وظایف دولت است در صورتیکه ابن سینا فقط از لحاظ وظایف پدر نسبت به فرزند نظریات خود را بیان داشته و در این امر کمترین توجهی بجامعه و ملت و مملکت و دولت نداشته است و بهمین جهت دو حکیم نامی یونان تربیت طفل را در جزء سیاست مدن مورد بحث قرار داده اند و حال آنکه ابن سینا جزو تدبیر منزل از آن سخن گفته است.

۲- افلاطون و ارسطو تعلیم و تربیت را فقط برای طبقه اشراف و نجبا که بر شهر و کشور حکومت میکنند قائل هستند ولی ابن سینا با اینکه دستور بگرفتن دایه و محشور ساختن طفل با نجیب زادگان داده و رعایت این دستور ظاهراً مستلزم داشتن استخوان یا لا اقل تمکن است معذک هیچگاه صریحاً بطبقه مخصوصی اشاره نکرده و وظیفه هر پدری را نسبت به تربیت فرزند ذکر کرده است.

۳- ارسطو تعلیم هنر و صنعت را باطفال اشراف و طبقه حاکم جایز نمی شمارد زیرا که معتقد است که کودکان نجبا از اشتغال به هنر و صنعت اعضایشان صدمه می بینند و ممکن است ناقص شود و رشد متناسب بدن را مانع گردد و اوقات فراغت را از بین خواهد برد و ساعاتی را که باید صرف حکومت بشود خواهد گرفت در صورتیکه ابن سینا آموختن هنر و پیشه را برای هر فرد لازم می شمارد و شاید این عقیده را از کتب

فارسی قبل از اسلام و سنت و سابقه و عمل امیران و پادشاهان ایران پیدا کرده باشد که فرزندان خویش را هنر می آموخته اند.

ابن سینا معتقد است که طفل باید هنر و صنعت را پیشهٔ خود سازد و از آن برای معیشت استفاده کند و حال آنکه ارسطو عقیده دارد که استفاده و بهره‌مندی از هنر و صنعت آزادی را از قوه متفکره سلب می‌کند^۱ و بنابراین باید منحصر بطبقهٔ عوام و بندگان باشد.

- ۱ - کاوس بن اسکندر (عنصر المعالی) در ۴۷۵ هجری در باب ۲۷ قابوسنامه گوید:
« در عجم رسم افتاد که مجتشم نبودی که فرزند را صنعت نیاموختی » قابوسنامه چاپ وزارت فرهنگ صفحه ۱۳۰.
- ۲ - سیاست چاپ مذکور در حاشیه شماره ۲ صفحه ۲۱ همین مجله - مقاله هشتم صفحه ۲۳۹



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی